



الانتقاد: رژیم صهیونیستی مقابل ایران هسته‌ای عقب نشسته است

یک روزنامه لبنانی در تحلیلی تأکید کرد که نشانه‌هایی که اسرائیل از خود بروز می‌دهد، نشان می‌دهد که تل‌آویو در حال کنار آمدن با ایران هسته‌ای است و مقابل ایران عقب نشسته است...

یک روزنامه لبنانی در تحلیلی تأکید کرد که نشانه‌هایی که اسرائیل از خود بروز می‌دهد، نشان می‌دهد که تل‌آویو در حال کنار آمدن با ایران هسته‌ای است و مقابل ایران عقب نشسته است.

به گزارش فارس، روزنامه لبنانی الانتقاد در گزارشی به قلم "حسان ابراهیم" با اشاره به تهدیدهای رژیم صهیونیستی علیه ایران تأکید کرد: هیچ حمله نظامی به ایران در برنامه این رژیم قرار ندارد.

الانتقاد، رژیم صهیونیستی را در دو حالت بسیار دشوار ارزیابی کرد و نوشت: به نظر می‌رسد اسرائیل در مرحله‌ای بسیار دشوار قرار دارد و بر سر دو راهی مانده است؛ نخست، راه اقدامی نظامی که مدت‌هاست از آن دم می‌زند. حمله‌ای که [به زعم سران این رژیم] تهدید هسته‌ای ایران را پایان دهد یا دست کم چند سالی آن را به تأخیر بیندازد.

این روزنامه نوشت: راه دوم هم این است که با واقعیت جدید منطقه کنار بیاید؛ واقعیتی که پیش از این وجود نداشت و آن وجود قدرت هسته‌ای ایران است و از دست دادن همه مزایایی که اسرائیل [به دلیل در اختیار داشتن قدرت اتمی] مقابل دشمنان خود از آن برخوردار بود.

الانتقاد با بیان اینکه اقدام نظامی علیه ایران امکان‌پذیر نیست و راه‌های غیرنظامی نیز بی‌حاصل است افزود: اسرائیل بخوبی می‌داند که در مرحله‌ای بسیار دشوار در خصوص برنامه هسته‌ای ایران و راه‌های مقابله با آن قرار گرفته است. جایگاه و موقعیت راهبردی که ایران در مقایسه با اسرائیل در آن قرار دارد و موقعیت اسرائیل و نقش مرتبط آن با منافع و طرح‌های آمریکا در منطقه، دورنمای خوبی برای ممانعت از تلاش‌های هسته‌ای ایران از راه‌های نظامی به اسرائیل نمی‌دهد، حال بگذریم از این امر که اسرائیل یقین دارد که راه‌های غیرنظامی [مانند تحریم] بی‌فایده است، با توجه به اینکه ایران در پیشبرد برنامه‌های خود مصمم است و به هر قیمتی آن را ادامه می‌دهد.

بنا بر این گزارش، در مرحله پیشین، در کشورهای غربی راهکارها و راه‌حلهایی برای [مقابله با] موضوع هسته‌ای ایران مطرح شد مبنی بر اجتناب اسرائیل از اتخاذ تصمیم‌هایی مثبت یا منفی مانند کارهایی که عاقبت خوشی ندارد، مانند اقداماتی که اسرائیل را مقابل دشمنان قرار می‌دهد.

اسرائیل از همان ابتدا هم اتکای خود را بر امکان‌ناپذیر کردن انتقال فناوری هسته‌ای از روسیه و چین به ایران قرار داد و این کار همه هم و غم اسرائیل در دوره گذشته بود تا اینکه روشن شد اصلاً مسئله به قاچاق فناوری هسته‌ای مرتبط نیست.

الانتقاد نوشت: پس از این اسرائیل به خود اطمینان داد که جمهوری اسلامی ایران توان به دست آوردن فناوری هسته‌ای ندارد و حتی سال‌های آتی و تحرک داخلی برای پایان دادن به نظام ایران، پیش از رسیدن به جایگاه اتمی به تنهایی کافی است.

بر اساس این گزارش، اسرائیل در سال 2003 پس از شکست برنامه‌های سابقش حساب و کتاب‌ها و اتکای خود را بر عامل آمریکایی قرار داد. اقدام آمریکا و اشغال نظامی عراق برای اسرائیل بسیار ترغیب‌کننده بود که اتکای خود را بر آن بگذارد زیرا پیامدهای مستقیم حضور نظامی آمریکا در منطقه با قصد آشکار براندازی نظام‌های ضد اسرائیلی در منطقه بود و همین امر برای منع و بازداشتن ایران از ادامه تلاش‌های هسته‌ای آن کافی بود و حتی می‌شد انتظار داشت که این نظام [تهران] را پایان داد و همه تهدیدهای صادر شده از تهران را بکلی به فراموشی سپرد.

الانتقاد با بیان اینکه پس از ناکام ماندن اسرائیل در این تحلیل، تل‌آویو رو به راهکارهای غیرنظامی آورده است تأکید کرد: در مرحله پس از سقوط دولت جرج بوش [رئیس‌جمهور سابق آمریکا] و پس از آمدن دولت جدید به ریاست "باراک اوباما"، دولت آمریکا به راهکار سازش با ایران متوسل شد. تحلیل‌ها و صداهایی از درون اسرائیل بلند شد که از راهکار غیرنظامی برای رسیدن به اهداف سخن می‌گفت و آن تحریم‌های شدیدتر بود برای متوقف کردن ایران.

الانتقاد تصریح کرد: این سخنان که در مرحله اخیر در اسرائیل رواج یافته است برخلاف آن چیزی است که در مرحله بوش مطرح بود. زیرا که ایران تصمیمی بزرگ گرفته و تلاش‌های خود را به هر قیمتی که باشد ادامه می‌دهد؛ و این، آن چیزی است که در پیشنهادهایی غرب به ایران بویژه پس از مذاکرات [اول اکتبر 2009] وین قابل مشاهده است.

بر اساس آنچه گفته شد، اسرائیل سال 2010 را سالی سرنوشت‌ساز مقابل ایران می‌داند، زیرا روشن خواهد شد که راهکار تحریم مقابل ایران نتایج ملموسی به دست نخواهد داد و در نتیجه غرب با چالشی از نوع دیگر روبرو خواهد شد و مقابل دو تصمیم قرار خواهد گرفت؛ نخست اینکه به سراغ راه حلی ظاهری برود که در نهایت، تهدید ایران برای اسرائیل پابرجا بماند یا دوم اینکه به سراغ راهکار نظامی برود و موضوع هسته‌ای ایران را از اساس خاتمه دهد.

بنابراین گزارش، از دیدگاه اسرائیل این دو راهکار نامتوازن است؛ زیرا گزینه خروج ظاهری از مشکل، با توجه به منافع آمریکا در منطقه، بیشترین امکان عملی شدن دارد. آمریکایی که راهبرد خود در عراق و افغانستان را در حال اجرا دارد و آخرین چیزی که واشنگتن می‌خواهد، به خطر انداختن این راهبرد است زیرا ایران نیز قدرت عملی نابود کردن طرح‌های آمریکا در منطقه را دارد.

به گزارش الانتقاد، این امر به معنای این است که اسرائیل در سال جدید (میلادی) مقابل واقعیتی جدید است: اینکه باید به تنهایی تصمیم بگیرد که با ایرانی که به فناوری هسته‌ای دست یافته است چگونه تعامل کند در حالی که گزینه‌های محدودی از لحاظ نظامی

در اختیار دارد و نهایت کاری که می‌تواند انجام دهد این است که برنامه هسته‌ای ایران را چند سال به تأخیر بیندازد ولی با این احتمال و امکان که طرح هسته‌ای جدید ایران در آن صورت با سرعت بیشتری در مقایسه با قبل به پیش خواهد رفت. و این در حالی است که اسرائیل در این صورت با منافع آمریکا بازی کرده است؛ بدین معنا که با هدف قرار گرفتن ایران، منافع آمریکا هدف قرار خواهد گرفت.

براساس این گزارش، با وجودی که اسرائیل همچنان تهدیدهای خود را علیه ایران ادامه می‌دهد و خوب می‌داند که توان خود و قدرت ایران تا چه حد است ولی عملاً اشاراتی از خود نشان داده است که عقب‌نشینی آن را می‌رساند و نشان می‌دهد که اسرائیل به ویژه کابینه کنونی به نخست‌وزیری نتانیاهاو در مقابل حق ایران عقب‌بنشیند.

الانتقاد تصریح کرد: جدیدترین این اشارت‌ها در گزارشی در روزنامه [صهیونیستی] هاآرتص به قلم تحلیلگر این روزنامه منتشر شد که اصلاً بعید نیست که این اشارت‌ها را نتانیاهاو صادر کرده باشد.

زیرا که الوف بن تحلیلگر سیاسی این روزنامه به دایره تصمیم‌گیری در اسرائیل نزدیک است و حتی از نزدیکان شخص نتانیاهاوست. علاوه بر این "عاموس هرئیل" تحلیلگر نظامی این روزنامه که وی نیز از نزدیکان نهادهای نظامی اسرائیل است، اعلام کرد که اسرائیل در سال 2004 زمان نخست‌وزیری آریل شارون فرصتی طلایی را برای حمله به ایران از دست داد زیرا وی می‌توانست به ایران حمله کند و برنامه هسته‌ای ایران را سال‌ها به تأخیر بیندازد ولی ترجیح داد که این اقدام را مرتکب نشود.

این روزنامه صهیونیستی می‌افزاید، حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در آن زمان ممکن بود و هزینه‌ای اندک داشت و ریسک آن نیز پایین بود، به عکس آنچه واقعیت کنونی ایران نشان می‌دهد و قدرت زیادی که ایران برای تاثیرگذاری مستقیم بر منافع منطقه‌ای و جهانی آمریکا و همچنین پاسخ نظامی کوبنده به اسرائیل، در اختیار دارد.

الانتقاد نوشت: مهم‌ترین چیزی که در این روزنامه آمده بود این است که نتانیاهاو در صورت ناتوانی در مقابل ایران می‌تواند تقصیر را برعهده نخست‌وزیران پیشین خود بیندازد، کسانی که علیه ایران و برنامه هسته‌ای آن اقدامی نکردند و سبب شدند خطری به نام ایران باقی بماند.

بنابر این گزارش، این یکی از اشاره‌هایی است که رویکرد آینده اسرائیل را مقابل ایران نشان می‌دهد یعنی در سال جدید (2010) پس از اینکه روشن شد راهکار تحریم‌های شدیدتر که از آن دم می‌زنند کارگر نیست و برای به زانو درآوردن ایران موثر نیست، این رویکرد دیده خواهد شد.

الانتقاد نوشت: همچنین انتظار می‌رود که اشاره‌های مستقیم‌تر و بزرگ‌تری که درون اسرائیل را بهتر نشان بدهد، از تل‌آویو دیده بشود در حالی که گزینه‌های محدودی مقابل ایران در اختیار دارد.

بر همین اساس، "افرایم هلیفی" در سخنرانی در مرکز مطالعات امنیت داخلی اسرائیل (مرکز جافی سابق) اخیراً اذعان کرد که "ایران حمله اتمی به اسرائیل انجام نخواهد داد. سران ایران به دنبال بهره‌گیری از قدرت‌های هسته‌ای در راستای تاثیرگذاری مثبت بر جایگاه راهبردی خود در منطقه‌اند و آن را برای گسترش نفوذ خود و بالا بردن قدرت بازدارندگی در مقابل دشمنان به کار می‌گیرند و این ضمانتی خواهد بود برای نظام ایران و بقای آن.

هلیفی در عین حال اذعان کرد که اسرائیل اکنون به سویی می‌رود که از ارزش جایگاه راهبردی خود به سود بازیگر منطقه‌ای دیگری می‌کاهد که قدرت بازدارندگی دارد و به لطف قدرت خود می‌تواند در منطقه نفوذ داشته باشد.

عضو مرکز مطالعات امنیت داخلی اسرائیل در ادامه با انتقاد از مسئولان اسرائیلی از آنان خواست "تا این سخنان دست بردارند که ایران هسته‌ای خطری برای موجودیت است زیرا این سخنان از قدرت بازدارندگی اسرائیل می‌کاهد".

الانتقاد در پایان نوشت: سخنان هلیفی دلیلی دیگر است بر سازگاری اسرائیل با قدرت هسته‌ای ایران و انتظار می‌رود در آینده نزدیک اشاره‌های دیگری نیز نشان داده بشود.